

الزامات و موانع فکری - سیاسی سعادت‌مندی جامعه در

دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۲۳

فاطمه قربانی^۱

مهدی نادری^{۲*}

چکیده

بسبب مردم در تحولات سیاسی - اجتماعی و اقدامات دولت‌ها در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی - حداقل در ظاهر - با هدف پیشینه‌کردن سعادت‌مندی جامعه و کمینه‌کردن تلخکامی‌ها رقم می‌خورد. الگوهای حکمرانی در تاریخ حیات سیاسی - اجتماعی بر اساس فهمی که از سعادت‌مندی جامعه داشته‌اند؛ رفتارهای مشروع یا غیرمشروعی انجام داده‌اند. تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران پیشا انقلاب - که منتهی به انقلاب اسلامی شد - و همچنین پسا انقلاب اسلامی تا حدودی متأثر از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی دستگاه حکمرانی، توقع و انتظارات و حمایت‌ها و مخالفت‌های مردم است، امری که بصورت بنیادین ریشه در فهم و درک مسئله سعادت‌مندی جامعه در دیدگاه دولتمردان و مردم دارد. نظر به اهمیت این مسئله، این مقاله با روش کیفی از نوع معناشناسی درصدد پاسخگویی به این سوال اصلی است که در دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی سعادت چگونه چیزیست و الزامات و موانع فکری - سیاسی سعادت‌مندی در جامعه کدام‌اند؟

یافته‌ها بر این نکته تأکید دارد که سعادت‌مندی جامعه در دیدگاه رهبری به معنای «فراهم آوردن زیست مومنانه برای نیل به لقاء الهی» است و ناظر بر حیات دنیوی و اخروی جامعه و ابعاد مادی (امنیت، رفاه، بهداشت، عدالت و پیشرفت) و معنوی زندگی (التزام به فضایل اخلاقی و اجتناب از رذایل اخلاقی) می‌باشد. سعادت‌مندی جامعه منوط به لوازم فکری (حاکمیت اسلام)، لوازم نهادی (سبک زندگی اسلامی، خانواده، مسجد و...)، لوازم ساختاری (نظام سیاسی اسلامی و حکمرانی اسلامی) و لوازم قانونی (التزام به اسناد بالادستی) است. و موانع سعادت‌مندی جامعه نیز موانع فکری (حاکمیت غیر اسلامی)، موانع فردی (باور و اخلاق غیر اسلامی)، موانع اجتماعی (سلطه، وابستگی، تفرقه) و موانع ساختاری (نظام سیاسی غیر اسلامی) است. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به مثابه «برنامه راهبردی جامعه سعادت‌مند»، تمدن نوین اسلامی به مثابه «بستر شکل‌گیری جامعه سعادت‌مند» و حیات طیبه اسلامی به مثابه «مدل آرمانی جامعه سعادت‌مند» ایفای نقش می‌کند.

واژگان کلیدی: سعادت، حیات طیبه، جامعه اسلامی، سیاست، آیت‌الله خامنه‌ای.

** مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد (mosafer.fghp@gmail.com) مقاله پژوهشی

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول: mahdinaderi35@gmail.com) صفحه ۱۵۸-۱۳۱

مقدمه

درباره سعادت دو واژه مطرح است که بررسی و تمایز مفهومی میان این دو در برداشت از سعادت نقش دارد. نخست واژه لاتین Eudaimonia (اودایمونیا) و دیگر واژه Happiness (هیپنس) در زبان انگلیسی است. اودایمونیا از Eudaimon و هیپنس از Happy به معنای شادی و خوشحالی گرفته شده است. اودایمونیا دارای وجه عینی و هیپنس دارای وجهی ذهنی است. آنچه که در ادبیات فلسفی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، بیشتر همان واژه اودایمونیا است و هیپنس بیشتر به خوشبختی لذت‌گرایانه یا همان شادی و خوشبختی روان‌شناختی اشاره دارد (قمی و موسوی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۲۳). سعادت از مفاهیمی است که در عین مشخص بودن شاکله آن از پیچیدگی‌هایی هم برخوردار است و می‌توان تفاوت‌هایی را در تعاریف مختلف از آن دید؛ همانطور که کسانی مانند ارسطو و افلاطون آن را در فضیلت، خیر، نیکی و زیبایی می‌دیدند و کسانی مانند اپیکوری‌ها آن را در لذت و رواقیون هم سعادت را در صلح با جهان خلاصه می‌کردند. برخی هم مانند نیچه اساساً سعادت را بی‌معنا دانسته و قیدهایی برای آن تعیین می‌کردند. برخی ادیان هم سعادت را در زندگی بعد از مرگ و رستگاری در آن جهان تعریف می‌کنند (ساجدی و دارایی‌تبار، ۱۳۹۵: ۹۸).

جدای از مباحث فلسفه اخلاق، امروزه هم در ادبیات علوم اجتماعی و هم در مباحث سیاست‌گذاری، مهم‌ترین مسأله در مواجهه با توسعه بررسی رابطه بین توسعه اقتصادی (افزایش ثروت مادی)، توسعه انسانی (ارتقای بهروزی و سعادت انسان) و توسعه نهادی (توانمندسازی انسان‌ها برای عمل در سازمان اجتماعی‌شان) است. توسعه انسانی اشاره دارد به فرآیند افزایش کیفیت زندگی که در یک زمینه اجتماعی مشخص انسان‌ها را انسان می‌کند (کاستلز، ۱۳۹۸: ۴۵).

این پژوهش کیفی با روش هرمنوتیک به توصیف و تحلیل انگاره سعادت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای به دنبال پاسخ به این سوال است که سعادت در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست و موانع و الزامات تحقق سعادت‌مندی در جامعه کدام‌اند؟ هدف از کاربرد روش هرمنوتیک در این پژوهش ارائه تعریف دقیق از مفهوم «سعادت» و تبیین جایگاه این مفهوم و کشف لایه‌های جدیدی از آن در تفکر سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از متون مربوط موجود است. منظور از متون هم بیانات و مکتوبات رهبری است که به‌نوعی منبع تولید پیام یا متن می‌باشد.

الف - پیشینه تحقیق

مسأله سعادت یکی از مهم‌ترین مباحثی است که در اخلاق و فلسفه اخلاق همواره مورد توجه بوده و هست و بسیاری از مکاتب فکری دینی و غیردینی به آن پرداخته‌اند. مقالات و پژوهش‌های بسیاری در باب سعادت و خوشبختی به فارسی و انگلیسی به رشته تحریر درآمده است که بسیاری از این آثار به فارسی نیز ترجمه شده و جایگاه لازم را در محافل آکادمیک پیدا کرده‌اند. کتاب «در جستجوی خوشبختی از ارسطو تا علم مغز» نوشته سیسیلا بوک، «زندگی خوب: ۳۰ گام فلسفی برای کمال بخشیدن به هنر زیستن» از مارک ورنون، «بهترین‌های زندگی؛ دریچه‌ای به سوی امور واقعاً مهم» نوشته تامس هرکا، «تاریخچه خوشبختی» اثر نیکلاس وایت، «سیاست شادکامی» از درک باک و برخی از آثار دیگر در زمره کتاب‌هایی هستند که اخیراً وارد مباحث آکادمیک در باب بهروزی و سعادت شده‌اند و هر کدام به جنبه‌هایی از این امر مهم می‌پردازند. همچنین کتاب‌هایی که به زبان فارسی و از منظر دینی به این موضوع می‌پردازند نیز به غنای بحث کمک می‌کنند. در باب بررسی سعادت در آثار و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای در قالب برخی پژوهش‌ها و مقالات ذیل مباحث فلسفی دیگر مطالبی مطرح شده و صرفاً به توصیف آن پرداخته، اما کاری مستقل در این رابطه در قالب مقاله یا ترجمه به چاپ نرسیده است که به تبیین جزئیات و شاکله موضوع سعادت و تحقق جامعه سعادت‌مند از منظر ایشان پرداخته باشد.

ب - روش تحقیق

از میان دوگانه پژوهش‌های کمی یا کیفی، این پژوهش جزء پژوهش‌های کیفی به شمار می‌آید (مک‌ناب، ۱۳۹۴: ۴۳۲). از میان رویکردهای سه‌گانه اثباتی، تفسیری و انتقادی به انجام پژوهش، رویکرد این پژوهش تفسیری می‌باشد. در رویکرد تفسیری هدف از انجام پژوهش معناکاوایی یا فهم رفتار و گفتار می‌باشد و با روش‌های تحلیل پژوهش‌های کیفی ملازمت دارد. دنیای سیاست، قلمرو معانی است که انسان‌ها خلق می‌نمایند و با اتکاء به آن معانی، روابط و مناسبات سیاسی مابین خود را درک می‌کنند (سید امامی، ۱۳۹۱: ۶۴-۴۱). آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی در عرصه حیات سیاسی و اجتماعی معاصر، برای تفهیم و اقدام کنشگران، معانی را خلق کرده است. یکی از معانی خلق شده توسط ایشان که موضوع این پژوهش می‌باشد؛ مسئله «سعادت‌مندی جامعه» است. پژوهشگران برای پیشبرد پژوهش می‌بایست از میان استراتژی‌های چهارگانه استقرایی، قیاسی،

پس کاوی و استفهامی دست به انتخاب بزنند. استراتژی پیشبرد این پژوهش استفهامی است. هدف از این استراتژی، کشف شیوه کنشگران در مفهوم‌سازی و معنابخشیدن به جهان اجتماعی می‌باشد (بلیکی، ۱۳۸۹: ۲۵-۱۵). نظر به اینکه موضوع این پژوهش، در حوزه مطالعاتی اندیشه سیاسی - و به ویژه فلسفه سیاسی - قرار دارد، از این‌رو بهترین روش تحلیلی برای فهم «مسئله سعادت‌مندی جامعه» در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، «هرمنوتیک متن‌گرا» است.

پ- مبانی نظری

۱- انگاره سعادت در تاریخ فلسفه اسلامی

مسئله سعادت یکی از قدیمی‌ترین مباحث فلسفی بشر است. این مسئله از مسائل حکمت عملی است و علمای اخلاق و علمای اجتماع عهده‌دار بحث از ماهیت و شرایط و موجبات و موانع و منافیات آن هستند. بحث بر سر دو نوع سعادت است: سعادت جسمانی و مادی و دیگری سعادت روحی و عقلانی. حکمای الهی به دنبال اثبات برتری سعادت و شقاوت روحانی و عقلانی بر سعادت و شقاوت مادی و جسمانی هستند (مطهری، ۱۳۴۴: ۴۸).

به‌رغم گستره علمی بالا و بسیار فارابی، برجستگی او بیشتر در حوزه فلسفه عملی است. او در فلسفه علمی بیشتر به افلاطون گرایش دارد و به فلسفه نظری و نقش مابعدالطبیعه در سعادت انسان بها می‌دهد و همانند افلاطون معتقد است که سعادت، هدف اصلی اخلاق است (الفاخوری و الجبر، ۱۳۷۳: ۴۳۲). دو کتاب فارابی با نام‌های «تحصیل السعاده» و «التنبیه علی سبیل السعاده» به موضوع سعادت اختصاص دارد. سعادت از منظر فارابی غایتی است که هر انسانی در جهت دستیابی به آن تشویق و برانگیخته می‌شود و در جهت اکتساب آن نهایت اجتهاد خویش را به کار می‌گیرد، زیرا بر آن باور است که سعادت نوعی کمال است (فارابی، ۱۴۱۳: ۲۲۹-۲۲۸). فارابی هدف مدینه فاضله را نیل به سعادت حقیقی و هدف مدینه جاهلیه را سعادت‌پنداری می‌داند. سعادت‌پنداری عبارتست از ثروت، عزت و خوشگذرانی‌ها؛ البته اگر تنها اینها را هدف زندگی این جهان بدانیم، کارهایی که به وسیله آنها می‌توان به سعادت حقیقی رسید، خیر، نیکوکاری و فضایل است (فارابی، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

سعادت از نظر خواجه نصیرالدین طوسی نوعی ادراک و احساس لذت از نوع خاصی از زیستن است. طوسی در اخلاق ناصری، به تحلیل مولفه‌های مفهوم سعادت پرداخته و «سیرت حکیمانه» و «لذت» را در این باره بر می‌شمرد. سیرت حکیمانه مشتمل بر کمالات علمی و عملی است و این

کمالات به‌عنوان مقوم سیرت حکیمانه انعکاسی نفسانی در قالب ادراک، حالات و لذات می‌یابند و التذاذ از چنین لذتی سعادت است (طوسی، ۱۳۸۷: ۹۸-۹۶).

ملاصدرا، ذات و حقیقت انسان را در عقل نظری می‌داند و سعادت حقیقی را در این قوه ارزیابی می‌کند و حرکت عقل عملی در مسیر سعادت را زمینه‌ای برای تعالی عقل نظری می‌شمارد. عقل نظری با حرکت از عقل هیولانی به سوی عقل مستفاد و عقل عملی با تهذیب ظاهر و باطن و کسب فضایل اخلاقی، اشتداد وجودی یافته و به سعادت حقیقی و معنای زندگی که همان نزدیک شدن به حقیقت وجود است می‌رسد (ملاصدرا، ۱۳۶۱: ۴۰).

علامه طباطبایی نیز می‌گوید سعادت و شقاوت مقابل یکدیگرند. سعادت هر چیزی عبارت است از رسیدن به خیری که مربوط به وجود او است که به وسیله آن، کمال می‌یابد و لذت می‌برد و سعادت در انسان - که موجودی مرکب از روح و بدن می‌باشد - عبارتست از رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی‌اش که به آن متنعم می‌شود و لذت می‌برد و شقاوت او به این است که آن خیرات را از دست بدهد و از آنها محروم باشد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۶: ۸۴).

شهید مطهری در مقاله خود به ماهیت سعادت، ارتباط سعادت و لذت، بالطبع طالب سعادت بودن انسان، ارتباط سعادت و آرزو، رابطه سعادت و رضایت، اقسام سعادت، درجات و مراتب سعادت، عوامل و موجبات سعادت، وجود راهنما برای رسیدن به سعادت می‌پردازد (مطهری، ۱۳۴۴: ص ۶۰). از دیدگاه شهید مطهری زندگی دنیوی و اخروی و سعادت مربوط به هر یک از همدیگر جدا نیستند و سعادت واقعی هر دو جهان در تناظر با یکدیگر هستند. همچنین فضیلت‌های معنوی و اخلاقی و آزادی درونی فردی، عدالت مورد نیاز برای سعادت و بهروزی جمعی را تضمین می‌کنند (شفیعی، ۱۳۹۴: ۲۸۲-۲۷۸).

۲- الگوهای موجود حکمرانی سعادت‌مندان

در ارتباط با نقش بهروزی در هدف‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌های یک نظام سیاسی سه نظریه سیاسی بسیار مهم مطرح می‌شود: الف - مباح‌انگاری یا لیبرتاریسم؛ این نظریه قائل به «دولت حداقلی» است. یعنی وظیفه‌ی اصلی دولت صیانت از حق‌های اساسی بشر مانند حق صیانت ذات، حق مالکیت، حق آزادی بیان، حق آزادی عقیده، و غیره است. جان لاک و رابرت نازیک دو متفکرین اند که از مهم‌ترین مدافعان این نظریه سیاسی محسوب می‌شوند. ب - فایده‌جویی؛ این نظریه، «شادکامی» را

هدف اصلی دولت می‌داند. فایده‌جویی، ناظر دلسوز بی‌طرف را پیش می‌کشد؛ ناظری که نسبت به شادکامی و تلخکامی، خرسندی و ناخرسندی همه اشخاص به یکسان دغدغه دارد. چنین روش تصمیم‌گیری‌ای دغدغه این را دارد که بیشترین شادکامی را برای بیشترین افراد جامعه به ارمغان آورد. دیوید هیوم و جان استوارت میل دو متفکری‌اند که مهم‌ترین مدافعان این نظریه سیاسی محسوب می‌شوند. ج- برابری طلبی؛ برابری طلبی نظام سیاسی‌ای است که تأکید دارد که به جای شادکامی به تلخکامی انسان‌ها یا، به عبارت دیگر، باید به فوری و فوتی‌ترین نیازهای افراد جامعه پردازیم. از این‌رو، نظام سیاسی برابری طلبانه به جای آن که به سیاست شادکامی پردازد، به سیاستی نظر دارد که تلخکامی محروم‌ترین اقشار جامعه را به کمترین حد خود برساند. روش پیشنهادشده از سوی این الگو، به‌عنوان بدیل و جایگزینی برای به بیشترین حد رساندن رفاه کلی، روش «نظام اولویت‌ها» یا «بهروزی» است. جان رالز، تامس نیگل، تی. ام. اسکنلن، رانلد دورکین، و درک پارفیت از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این نظریه سیاسی‌اند

۳- اقسام سعادت‌مندی

به‌طور کلی می‌توان گفت اگر بخواهیم وضع مطلوب آدمی را توصیف کنیم، به نظر تی. ام. اسکنلن بهترین و دقیق‌ترین مفهوم [بهروزی یا نیک‌باشی]^۱ است. یکی از مهم‌ترین متفکرانی که روی این مفهوم کار کرده است اسکنلن است. این استاد بازنشسته‌ی دانشگاه هاروارد از جدی‌ترین و عمیق‌ترین فیلسوفان این قرن و همچنین از بهترین شاگردان رالز است. او در سال ۱۹۷۵ مقاله‌ی کلاسیکی نوشت به نام «ترجیح و فوریت»^۲ که در آثار بعدی خود مضمون اصلی این مقاله را بسط داد. این مقاله تأثیر شگفت‌انگیزی بر این حوزه‌ی پژوهشی داشته است. اسکنلن از طرح مفهوم «بهروزی» دو هدف عمده داشت: معیاری عرضه کند هم برای تصمیم‌گیری فردی و نهادی و هم برای ارزیابی رفتار فردی و نهادی. او تقسیم‌بندی معروفی از بهروزی یا نیک‌باشی ارائه کرده است: بهروزی عینی^۳ و بهروزی ذهنی^۴.

بهروزی عینی؛ بهروزی عینی دارای این ویژگی‌هاست: الف- بهروزی عینی به «نیاز» می‌پردازد و در صدد برآوردن نیازهاست. نیاز فرق مهمی با میل دارد. وجود نیاز به آگاهی آدمی بستگی ندارد،

- 1 . well-being
- 2 . Preference and Urgency
- 3 . objective well-being
- 4 . subjective well-being

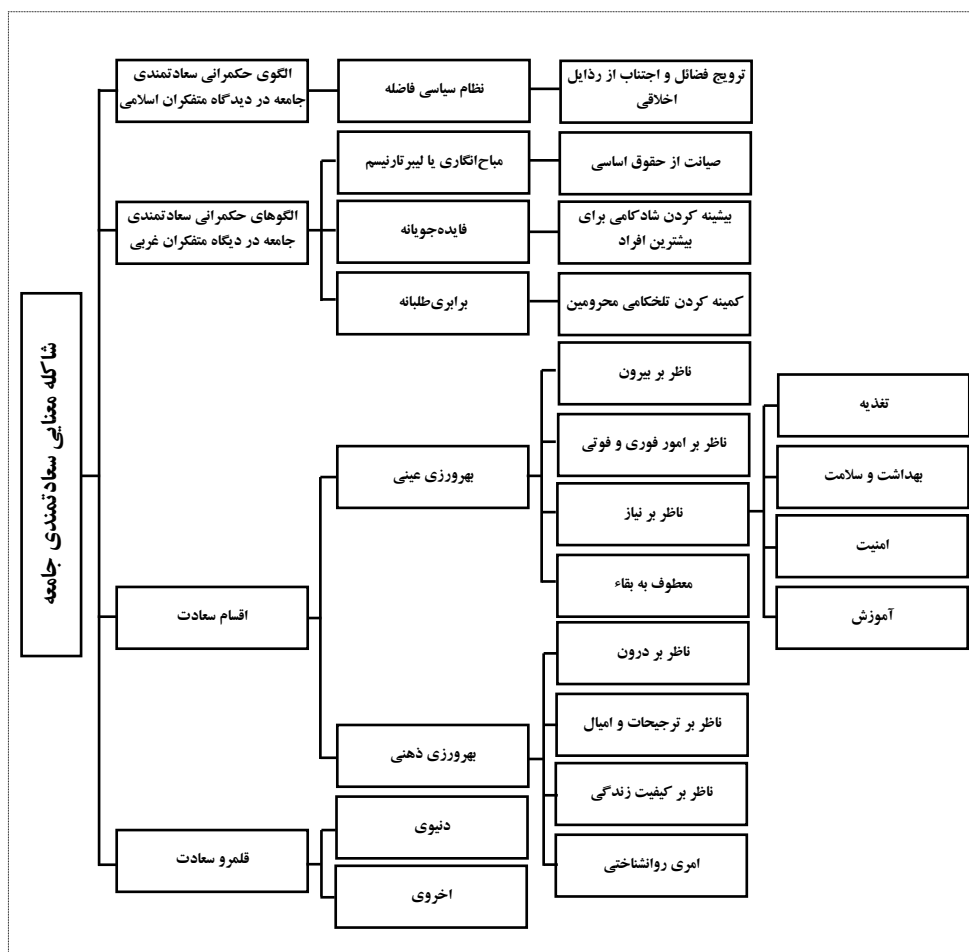
یعنی این طور نیست که نیاز وقتی پدید می‌آید که به آستانه‌ی آگاهی من وارد شود. به عبارت دیگر موجودیت نیاز به مدرکیت آن بستگی ندارد؛ ب- بهروزی عینی به امور «فوری و فوتی» می‌پردازد؛ اموری که اگر برآورده نشود کمیت زندگی آدمی می‌لنگد. اینکه امور فوری و فوتی چه اموری‌اند نظریات مختلفی ارائه شده است؛ پ- بهروزی عینی به صورت بیرونی و ناظرانه و از نگاه دیگری سنجش پذیرش است؛ ت- بهروزی عینی همگرایی بیشتری میان انسان‌ها ایجاد می‌کند؛ ج- بهروزی عینی کل زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چون معطوف به بقاست. این نوع بهروزی اموری مثل سلامتی، تغذیه، فقر و ... را در برمی‌گیرد.

بهروزی ذهنی؛ بهروزی ذهنی داری این ویژگی هاست: الف- بهروزی ذهنی به «ترجیحات» و «امیال» می‌پردازد. وجود ترجیحات و امیال به آگاهی آدمی بستگی دارد، یعنی این طور است که میل وقتی پدید می‌آید که به آستانه آگاهی من وارد شود، به عبارت دیگر موجودیت میل به مدرکیت آن بستگی دارد. ب- بهروزی ذهنی کمتر فوری و فوتی است و بیشتر به کیفیت زندگی می‌پردازد؛ پ- به صورت درونی، فاعلانه و از نگاه خود آدمی سنجش پذیر است؛ ت- بهروزی ذهنی همگرایی کمتر و واگرایی بیشتری میان انسان‌ها ایجاد می‌کند؛ ث- بهروزی ذهنی بخشی از زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Scanlon, 2003: 71-78).

به عقیده دنیل کانمن در مطالعات مربوط به بهروزی ذهنی یکی از موضوعات مرکزی تمایزی کلاسیک هست که دست کم به ارسطو برمی‌گردد. ارسطو بین دو نگرش به زندگی خوب یا بهروزی ذهنی دست به تفکیک می‌زند: اولی زندگی توأم با لذت، خرسندی، شادی و دیگر احساسات مثبت است که اصطلاحاً شادکامی¹ می‌نامیم و امری کاملاً روان‌شناختی است؛ دیگری زندگی‌ای معنادار و فضیلت‌مندانه است و امری کاملاً آرمانی و اخلاقی است (Kahneman, 2011). پس بهروزی ذهنی به دو دسته‌ی مهم تقسیم می‌شود: زندگی توأم با لذت یا زندگی توأم با فضیلت. بهروزی در کل سه مولفه‌ی اساسی دارد: نیاز، لذت، و معنا. شکی نیست که بهروزی عینی (مثل امنیت، سلامتی، میزان درآمد، فقر، بهداشت، آموزش عمومی) امری کاملاً بیرونی است و بستگی به شرایط زندگی اجتماعی و عمومی ما دارد. دولت‌ها اصلاً برای تحقق چنین چیزی به وجود آمده‌اند. از سوی دیگر، بهروزی ذهنی و بُعد معناداری کاملاً امری درونی است و بستگی به اوضاع و احوال روانی و روحی آدم دارد. به باور نیگل، برابری طلبی بر بهروزی عینی مبتنی است و فایده‌جویی بر بهروزی ذهنی و دفاع از

1 . happiness

بهروزی عینی همان دفاع از برابری طلبی است. به عقیده‌ی نیگل به دو شیوه می‌توان به این نوع برابری دست یافت. شیوه اول، تبدل و تحول انسانی است؛ یعنی تغییرات و تحولاتی که باید برای رسیدن به برابری در درون انسان‌ها ایجاد کنیم. این شیوه در حال حاضر ناکجاآبادگرایانه است. شیوه‌ی دوم، از طریق ابداع نهادهایی است که برابری بیشتری را ایجاد کنند. این شیوه هم فراتر از تصور ماست (نیگل، ۱۳۹۴: ۳۰-۲۵).



شکل ۱. شاخه معنایی سعادت‌تمندی جامعه

منبع: (نگارنده)

ت- منطق پیشبرد مقاله

مرور ادبیات نظری در رابطه با مسئله سعادت و سعادت‌مندی در جامعه از دیدگاه متفکران شهیر جهانی بدین خاطر است که مخاطبان با دیدگاه‌های رایج جهانی که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی در راستای تحقق آن انجام می‌گیرد آشنا گردند. بدیهی است که هر یک از این دیدگاه‌ها در پارادایم‌های فکری‌ای شکل گرفته‌اند که متأثر از مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و غایت‌شناسی متفاوتی هستند. این تفاوت‌ها منجر به شکل‌گیری پیش‌فرض‌های فکری متفاوتی در دیدگاه متفکران می‌شود که اساساً امکان این‌همانی همه آنها وجود ندارد. با این حال، زمینه و زمانه جمهوری اسلامی در یک نظام معنایی قرار دارد که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، مبتنی بر پارادایم دینی است. دین اسلام مدعای رحمة العالمین بودن را برای جهانیان دارد و قاعداً تحقق چنین امر خطیری در گرو شناخت مسئله سعادت و به تبع آن سعادت‌مندی جامعه در اسلام است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مقام رهبر انقلاب اسلامی، شخصیتی ایدئولوگ و در مقام رهبر جمهوری اسلامی وظیفه تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی را داراست. هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بر پایه فهمی از سعادت و سعادت‌مندی جامعه شکل گرفته و می‌گیرد. نظر به این امر خطیر، فهم سعادت در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مهم بوده و رهبریت ایشان تأثیرات شایانی در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه، بسیج منابع و امکانات می‌گذارد و همچنین شناخت نظریه‌های رقیب و مقایسه با دیدگاه مذکور- که پیش‌تر ذکر شد- بر غنا و تدقیق آن می‌افزاید.

ث- چیستی سعادت از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، سعادت‌مندی به معنای محقق شدن خیر دنیوی و اخروی انسان است. از این‌رو، ایشان مجموعه حیات انسانی را به کاروانی تشبیه می‌کنند که دارای یک مبدأ حرکت و یک مقصد عالی است و همه آفرینش به سمت آن غایت حرکت می‌کنند (بیانات ۱۳۷۸/۲/۱۶). سعادت هر انسانی در این است که این مقصد را بشناسد و رفتار اختیاری خود را با آن تطبیق دهد. هنر بزرگ پیامبران الهی این است که این غایت قصوی، این مقصد اعلی را به بشر معرفی کنند، به او بشناساند و راه را نشان بدهند و بگویند که صراط مستقیم یعنی صراط الی‌الله (بیانات ۱۳۷۵/۷/۱۸). آیت‌الله خامنه‌ای فاصله بین مبدأ و معاد را به «اردوگاهی» تشبیه می‌کند که برای رسیدن به مقصد الهی برنامه‌هایی برای آن تنظیم شده است: ۱- برنامه‌های متعالی: ناظر بر رابطه انسان با خدا و ابعاد

روحانی و معنوی انسان را پوشش می‌دهد (عبادات). ۲- برنامه‌های تهذیبی: ناظر بر برنامه خودسازی انسان است (اخلاقیات) ۳- برنامه‌های تنظیمی: ناظر بر رابطه انسان با محیط پیرامون (افراد، اجتماع و طبیعت) می‌باشد. ۴- برنامه‌های تدبیری: ناظر بر برنامه‌هایی است که به حیات سیاسی و اجتماعی انسان مربوط است (حکومت، تشکیل دولت، امر به معروف و نهی از منکر، کمک به اصلاح امور عمومی جهان و جامعه، کمک به از بین بردن فقر) (بیانات ۱۳۷۴/۱۲/۱).

آیت‌الله خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرماید: «اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه همه مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر یک تمدنی، یک فرهنگی و یک آئینی، انسان را تک‌ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دوساحتی می‌داند - بکلی متفاوت خواهد بود.» از دیدگاه ایشان کشور ما و جامعه اسلامی وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند؛ یعنی همان هدفی که پیامبران در نظر داشتند. بنابراین، برنامه‌های پیشرفت در جامعه اسلامی باید خیر دنیا و آخرت را سرلوحه خود قرار دهد (بیانات ۱۳۸۸/۲/۲۷).

ج- الزامات فکری - سیاسی سعادت‌مندی در جامعه

۱- الزام فکری

۱-۱- ایدئولوژی اسلامی

«دین خدا یعنی برنامه‌ی سعادت بشر در دنیا و آخرت. این برنامه همان‌طور که ضامن رشد و اعتلای معنوی جوامع بشری است، ضامن زنده کردن استعدادها و فکری و رشد دادن به شخصیت و توانایی‌های آنها هم هست. دین خدا همچنانی که به معنویت نظر دارد، به زندگی دنیایی انسان هم نظر دارد و برای خوشبختی انسان برنامه دارد.» (بیانات ۱۳۸۵/۳/۱۴). از دیدگاه رهبری برای «فراهم شدن زندگی سعادت‌مندان و مطلوب انسان، هم تزکیه‌ی اخلاقی فرد که گوهر او را از زشتی‌ها و آلودگی‌ها برهاند، و هم حرکت و تلاش جمعی که میدان‌های زندگی را به روی او بگشاید و او را در چالش‌ناگزیرش با طبیعت و با نخبانان رژیم‌های ستم و استکبار یاری دهد، ضروری و حتمی است. اسلام با معنا کردن زندگی و هستی و با نشان دادن راه درست آن، انسان را در فراهم آوردن زندگی

حقیقتاً سعادت‌مندان یاری می‌دهد و صراط مستقیم الهی را به او معرفی می‌کند. همه احکام و دستورهای اسلامی، و همه خطوط اصلی در شیوه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام، و همه عبادات و مقررات فردی و جمعی اسلام، اجزاء درهم تنیده‌ی این نسخه زندگی‌بخش و سعادت‌آفرین» است (بیانات ۱۳۷۷/۱۲/۲۸).

۲-۱- الزامات ساختاری

۱-۲-۱- نظام سیاسی اسلامی

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نظام اسلامی، نظامی است که قصد اجرای تمام احکام و موازین اسلامی را به صورت کامل دارد. این نظام، مایه سعادت انسان، سربلندی ملت، مایه آبادانی کشور، شادی محیط زندگی و نیز استحکام خانواده و اصلاح روابط اجتماعی میان مردم و در نهایت خوشبختی زندگی مادی و معنوی انسان‌هاست (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۹/۱۵). رهبری تأکید می‌کند که نظام سیاسی مورد نظر باید در عرصه خدمت، کار و تلاش از عرصه تخریب، سوءظن، هتاک و یأس‌آفرینی سبقت گیرد و وحدت، یگانگی، روح برادری و همدلی را در میان مسئولان و همچنین مردم توسعه دهد (بیانات ۱۳۸۴/۱/۱). نظام اسلامی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای یعنی آن نظامی که مبتنی بر هندسه الهی و نقشه خدا در اداره جامعه به منظور سعادت‌مندی آن می‌باشد (بیانات ۱۳۸۸/۱۲/۶).

۲-۲-۱- حکمرانی اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای یکی از درس‌های حکومت‌داری حضرت علی (ع) به منظور تأمین سعادت واقعی جامعه را تلاش در جهت بهبود معیشت و حل مشکلات اقتصادی مردم می‌داند که این هدف در شرایط کنونی از راه برنامه‌ریزی صحیح برای فعال کردن ظرفیت‌های بی‌شمار داخلی و تکیه بر استعدادهای جوان کشور امکان‌پذیر است (بیانات ۱۳۹۳/۲/۲۳).

رهبری با اشاره به برخی مطالب که وظیفه حکومت اسلامی برای رساندن مردم به بهشت را زیر سؤال می‌برند، تأکید می‌کنند که وظیفه اصلی حاکم اسلامی رساندن مردم به سعادت واقعی است که البته این، به معنای تحمیل و زور نیست، بلکه با توجه به تمایل فطرت انسان‌ها به سعادت، باید زمینه کمک و راهنمایی و تسهیل رسیدن به این هدف والا فراهم شود (بیانات ۱۳۹۳/۲/۲۳). ایشان در جایی می‌فرمایند:

«رساندن انسان‌ها به بهشت، هم در زمینه فکری، در زمینه روحی و قلبی و در حیات اجتماعی مردم نقش می‌آفریند. من از این جهت روی این تکیه می‌کنم که گاهی شنیده میشود کسانی در گوشه‌وکنار وقتی صحبت از هدایت و راهنمایی و بیان حقایق دینی و مانند اینها میشود، میگویند آقا، مگر ما موظفیم مردم را به بهشت برسانیم؟ خب بله؛ بله، همین است. فرق حاکم اسلامی با حکام دیگر در همین است: حاکم اسلامی می‌خواهد کاری کند که مردم به بهشت برسند؛ به سعادت حقیقی و آخروی و عقبائی برسند؛ [لذا] راه‌ها را باید هموار کند. اینجا بحث زور و فشار و تحمیل نیست؛ بحث کمک کردن است. فطرت انسان‌ها متمایل به سعادت است، ما باید راه را باز کنیم؛ ما باید کار را تسهیل کنیم» (بیانات ۱۳۸۸/۱۲/۶).

بررسی دیدگاه‌های رهبری در زمینه سعادت دو وظیفه مهم را برای حکومت در این حوزه نشان می‌دهد:

یک؛ تولید ثروت ملی و توزیع عادلانه، در این رابطه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه‌ی اسلامی» است. این دو تا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم.» (بیانات ۱۳۸۵/۱۱/۳۰).

دو؛ رسیدگی به وضع محرومان جامعه. در این رابطه، رهبر جمهوری اسلامی ایران با انتقاد از عملکرد نظام پهلوی چنین می‌فرماید:

«...در طول دوران انقلاب، همیشه دولت‌ها این‌طور بودند؛ بیشترین اهتمامشان برای مردم محروم و نقاط محروم بود و کارهای فراوان و خدمات عظیمی هم انجام گرفته است. اینها به برکت همین عنصر «عدالت اجتماعی» در خط امام است» (بیانات ۱۳۷۸/۳/۱۴).

بحث در مورد رسیدگی به وضع محرومان جامعه در اشاره به وضعیت کسانی است که «نیازهای فوری و فوری دارند». رهبری در این زمینه می‌فرمایند:

«اسلام خواسته است که در جامعه، فاصله میان دو قشر از جامعه - قشر فقیر و قشر غنی - فاصله زیاد و دره عمیقی نباشد و شکاف به وجود نیاید. این طور نباشد که در جامعه، عده‌ای دچار فقر و تنگدستی و تیره‌روزی باشند، اولیات زندگی به دست آنها نرسد؛ اما عده‌ای ثروت‌های افسانه‌ای درست کنند. این را اسلام نمی‌خواهد. این، خلافِ عدالت است» (بیانات ۱/۱/۱۳۷۶).

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را در راستای نجات، سعادت و صلاح برای قشرهای عظیم محروم و مظلوم می‌داند (بیانات ۳/۲۳/۱۳۶۸).

۱-۲-۳- مصادیق حکمرانی سعادت‌مندان

شیوه پیامبران؛ بهترین مانیفست سعادت: آیت‌الله خامنه‌ای تأکید می‌کنند که نظامی که بر اساس بعثت بنا شده باشد، هدفش، سعادت و زندگی راحت برای بشر است (بیانات ۹/۲۹/۱۳۷۴). به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای بشر امروز به‌رغم پیشرفت‌های علمی و مادی «به خاطر دوری از معنویت، دوری از حقیقت انسانیت، دوری از اخلاق و دوری از خدا، وضعی پیدا کرده‌اند که این همه پیشرفت مادی هم نمی‌تواند آنها را خوشبخت کند». به باور ایشان ریشه این احساس عدم خوشبختی نادیده گرفتن پیام انبیاء است: چرا؟ مگر امروز بشر از همیشه ثروتمندتر و عالم‌تر نیست؟ ... چرا جوانان در ثروتمندترین کشورهای عالم، احساس خوشبختی نمی‌کنند؟ آیا بشر برای خوشبختی چه چیزی لازم دارد که در اختیارش نیست؟ جواب، یک کلمه است: بشر، پیام انبیاء را کم دارد؛ بشر، نسخه آرامش‌بخش و آسایش‌بخش انبیاء را در دست ندارد، یا به آن عمل نمی‌کند. بدبختی‌ها این جاست. این قرآن، کامل‌ترین نسخه‌ها را در اختیار دارد» (بیانات ۹/۱/۱۳۷۷).

شیوه امام علی (ع)؛ تعیین‌کننده سعادت جامعه امروزی: از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، اگر حکومتی خیر و صلاح مردم را می‌طلبد، باید علی (ع) را اسوه و الگوی خود قرار دهد. «اگر جامعه‌ای در انتظار سعادت است، راه عملی آن است که حکومت‌ها، زندگی و حکومت امیرالمؤمنین را اسوه قرار دهند و به آن سمت حرکت کنند» (بیانات ۱۲/۲۶/۱۳۷۹).

راه امام خمینی (ره)؛ راه سعادت: این انقلاب و این نظام جمهوری اسلامی و این شعارها و این ارزش‌هایی که به‌وسیله امام و به‌وسیله انقلاب مطرح شد، چیزهایی است که سعادت این کشور و این ملت را تضمین می‌کند (بیانات ۱۲/۰۴/۱۳۷۷). ملت ایران، عزت و رفاه و روسفیدی دنیا و سعادت و

کمال معنوی و اخروی را در راه همان خطی می‌تواند پیدا کند که امام بزرگوار و رهبر عظیم‌الشأن او، پیش پای این ملت گذاشت (بیانات ۱۳۷۵/۰۳/۱۶). آیت‌الله خامنه‌ای شاخصه‌های مکتب سیاسی امام (ره) را چنین بر می‌شمرد: «در هم تنیدگی معنویت با سیاست، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم، تأکید بر عدالت اجتماعی» (بیانات ۱۳۸۳/۳/۱۴).

۱-۳-۳ الزامات نهادی

۱-۳-۱-۱ نهاد سبک زندگی اسلامی

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن - اینها عبارۀ اخروی یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است (بیانات ۱۳۹۱/۷/۲۳). در بحث از سبک زندگی، رهبری به موضوعات و مشکلاتی مانند مصرف‌گرایی، زیاده‌روی و اشرافی‌گری در جامعه اشاره می‌کند که آسیب‌های زیادی در پی دارد (بیانات ۱۳۹۷/۱/۱). ایشان تأکید دارند که باید احکام و سبک زندگی اسلامی در نظام اسلامی پیاده شود و فرهنگ جامعه در همه ابعاد منطبق بر آموزه‌های قرآنی باشد تا تحقق سعادت امکان‌پذیر شود (بیانات ۱۳۹۶/۱/۲۱). «سبک زندگی اسلامی - ایرانی»، راه پیشنهادی رهبری در برابر شیوه‌های مختلف زندگی است (بیانات ۱۳۹۵/۴/۱۲) که به نوعی نشان‌دهنده استقلال فرهنگی نیز می‌باشد (بیانات ۱۳۹۵/۳/۱۴). رفاه، عدالت، نشاط، نشاط کار، شوق کار، علم، فناوری، معنویت، رحم و عطف، خلقیات اسلامی در قالب سبک زندگی اسلامی بخشی از حیات طیبه است که سعادت جامعه را تضمین می‌کند (بیانات ۱۳۹۴/۶/۲۵). در بحث از سبک زندگی، مفهوم خانواده اهمیت زیادی پیدا می‌کند که به آن اشاره می‌شود.

۱-۳-۲-۱ نهاد خانواده

مقام معظم رهبری از ناتوانی فرهنگ غرب در خوشبخت کردن انسان سخن می‌گویند و اسلام را به‌عنوان مجموعه‌ای کامل برای اداره زندگی، تنها تأمین‌کننده نیاز بشریت به یک راه جدید و نجات‌بخش معرفی می‌کنند. از دیدگاه رهبری، مدت‌هاست که فرهنگ غرب ناتوانی خود را در

خوشبخت کردن انسان به اثبات رساننده و امروز به‌وضوح به سمت فساد حرکت می‌کند. متلاشی شدن بنیان خانواده، نابسامانی وضع زندگی اجتماعی به لحاظ وجود تبعیض، بی‌عدالتی و ظلم، وضع بد جوانان و کودکان و محرومیت آنان از محیط گرم خانواده و افسردگی و سردرگمی نسل جوان، از جمله علائم روشنی است که ناتوانی فرهنگ غرب را در به ارمغان آوردن سعادت و خوشبختی برای انسان نشان می‌دهد (بیانات ۱۳۷۴/۳/۱۷). از دیدگاه رهبری، مهم‌ترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. در واقع، سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان بوده و آرامش روحی داشته باشد که چنین امر مهمی در بنیان خانواده تأمین می‌شود (بیانات ۱۳۷۶/۷/۳۰). استحکام بنیان خانواده در یک جامعه می‌تواند بسیاری از مشکلات اخلاقی و معنوی آن را برطرف کند (بیانات ۱۳۷۶/۹/۲) و از دیدگاه ایشان، انتقال فرهنگ‌ها، تمدن‌ها، حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و فرهنگ در یک جامعه به نسل‌های بعدی از طریق نهاد خانواده انجام می‌شود (بیانات ۱۳۷۷/۱/۲۶). ایشان در این رابطه چنین می‌فرمایند: «خانواده، کلمه‌ای طیبه است (سوره‌ی ابراهیم، آیه ۲۴). کلمه‌ی طیبه هم خاصیتش این است که وقتی یک جایی به وجود آمد، مرتب از خود برکت و نیکی می‌تراود و به پیرامون خودش نفوذ می‌دهد. کلمه‌ی طیبه همان چیزهایی است که خدای متعال آن را با همان اساس صحیح به بشر اهدا کرده. اینها همه کلمه طیبه است؛ چه معنویات و چه مادیات.» (خطبه عقد ۱۳۷۹/۱۲/۱۵).

۱-۳-۳- نهاد مسجد

در دیدگاه رهبری، مسجد به‌مثابه پایگاهی برای انجام کارهای نیک، خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد در نظر گرفته می‌شود. اقامه نماز، اقامه حق و عدل، اقامه دین، ابلاغ احکام دینی نیز در این راستا به‌عنوان وظایف امام جماعت تعریف می‌شود (بیانات ۱۳۹۵/۵/۳۱). مسجد در دیدگاه رهبری، پایگاهی برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است و به‌عنوان پایگاهی برای دین، عبودیت و معرفت می‌تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد (بیانات ۱۳۷۵/۱۰/۱۹).

۱-۳-۴- نهادهای آموزشی

مدرسه: آیت‌الله خامنه‌ای، معلم را محور حرکت جامعه می‌داند. از نظر ایشان محیط جامعه نیز باید محیط آموزش، یاد گرفتن و یاد دادن باشد. ایشان در کنار آموزش بر امر تربیت، پرورش، تزکیه و

تهذیب اخلاقی نیز تأکید دارند. از این رو، ضرورت دارد که کار آموزش به درستی انجام شود و معلمان نقش خود را به خوبی ایفا کنند. از نظر رهبری، معلم معیار کار درست در جامعه است و باید یاد بدهد و چنین نقش بارز و برجسته‌ای را در اداره کشور و پیشرفت دنیای پیرامون خود ایفا کند (بیانات ۱۳۷۱/۲/۹). دانش اوزار سعادت بشر است (بیانات ۱۳۸۶/۱۰/۱۲) و دانش‌آموزان و جوانان در هر برهه‌ای از تاریخ کشورها و ملت‌ها می‌توانند یکی از مهم‌ترین مراکز سعادت یک ملت باشند (بیانات ۱۳۷۴/۸/۱۰).

دانشگاه: آیت‌الله خامنه‌ای علم و نهاد دانشگاه را یکی از ابزارهای سعادت بشر می‌دانند. ایشان در جایی به این نکته اشاره می‌کنند که «ما باید به جایی برسیم که در این عرصه‌ها هرچه ممکن است، پیش برویم؛ هرچه ممکن است، بفهمیم. و البته علم را وسیله سعادت انسان قرار بدهیم. تفاوت نگاه دین - یعنی اسلام - به علم، با نگاهی که دنیای مادی به علم می‌نگریست، در همین است. ما علم را می‌خواهیم برای سعادت بشر، برای رشد بشر، برای شکوفائی بشر، برای استقرار عدالت و آرزوهای قدیمی بشر.» (بیانات ۱۳۸۸/۱۱/۱۳). البته رهبری بر ترکیب علم و دین تأکید دارند و چنین علمی است که می‌تواند زمینه‌های لازم را برای سعادت‌مندی بشر فراهم کند.

حوزه: رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود به این موضوع اشاره می‌کنند که اصول دین، فروع دین، ارزش‌های اخلاقی، سبک زندگی، آیین حکمرانی جزو اسلام و معارف اسلامی است و باید از طریق حوزه‌های علمیه در جامعه به منصف ظهور در آید، زیرا اسلام نیز به دنبال محقق کردن این حقایق در متن جامعه و زندگی مردم است (بیانات ۱۳۹۸/۲/۱۸). مدیریت تحولات اجتماعی (بیانات ۱۳۸۵/۸/۱۸)، هدایت قشرهای گوناگون در سطوح مختلف و عمق بخشیدن به تحصیل دینی (بیانات ۱۳۸۴/۲/۱۱)، تولید، تبیین و تدوین فکر (بیانات ۱۳۸۰/۶/۱۵) از کارهای مهم حوزه‌های علمیه در دیدگاه رهبری است. از آنجایی که آموزه‌های دین اسلام راه سعادت را به انسان‌ها نشان می‌دهند، نقش حوزه‌های علمیه در تبیین مولفه‌های سعادت و هدایت و راهبری جامعه به این سمت دارای اهمیت است.

۱-۴- الزامات قانونی

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای التزام به اسناد بالادستی کشور به‌ویژه قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که در برگزیده برنامه‌ها و راهبردهای مهمی برای تحقق

سعادت‌مندی در جامعه هستند در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بسیار اهمیت دارد و به‌مثابه نقشه راه است.

۱-۴-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، قانون اساسی می‌تواند ضامن حفظ نظام اسلامی باشد که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان‌هاست. همچنین قانون اساسی می‌تواند ذهن‌ها را اشباع و اقتناع کند و جسم‌ها را به رفاه مادی برساند؛ از این منظر می‌تواند دنیا و آخرت مردم را آباد کند (بیانات ۱۳۸۴/۲/۱۱). بر اساس قانون اساسی بسیار خوب، مترقی، جامع و همه‌جانبه ایران، بنیان سیاسی کشور بسیار مستحکم است (بیانات ۱۳۸۱/۳/۷). این سند بالادستی راه حل مشکلات را معین کرده و رهبری را به‌عنوان محور در نقطه مرکزی همه مسئولان قرار داده است (بیانات ۱۳۸۰/۸/۱۲). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ترجمان خواسته‌ها و آرمان‌های ملت ایران و نشان‌دهنده جهت و مسیر حرکت مردم و چارچوبی کلی برای تدوین قوانین و سیاست‌های کلی نظام است (نامه به سران قوای سه‌گانه، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰) که در آن با توجه به آموزه‌های اسلامی بر عدالت اجتماعی تأکید بسیار شده است (بیانات ۱۳۷۹/۲/۱).

۱-۴-۲- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی

رهبری تأکید می‌کند که دولت‌های منتخب مردم باید بر اساس این چشم‌انداز، اهداف را مشخص کنند؛ هر کدام بخشی از راه را بروند و دنباله کار را به دولت بعدی بسپارند. وجود سند چشم‌انداز، یکی از امکانات باارزش نظام جمهوری اسلامی است (بیانات ۱۳۸۹/۱/۱). رهبری در دیدار با اعضای هیئت دولت به این نکته اشاره کردند که سند چشم‌انداز بعد از قانون اساسی مهم‌ترین سند در کشور است که نگاهی کلان و بلندمدت دارد. جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز ویژگی‌هایی بسیاری خواهد داشت، از جمله: «توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی؛ برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی و برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از

محیط زیست مطلوب» (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ۱۳۸۲/۸/۱۲).

۱-۴-۳- سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

از منظر رهبری این الگو هم یک نقشه جامع است. رهبری بر این نکته تأکید دارند که «بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان‌که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیکزاک مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه فرهنگ، هم در زمینه اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون - انجام دادیم! این به‌خاطر این است که یک نقشه جامع وجود نداشته است.» این الگو به‌عنوان نقشه جامع مسیر حرکت را مشخص می‌کند. از منظر رهبری، وجود پسوند ایرانی یا اسلامی برای آن مطلقاً به این معنا نیست که از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهد شد، بلکه از نظر ایشان محدودیتی در این زمینه وجود ندارد و از علم و معرفتِ درست بهره گرفته می‌شود (بیانات ۱۳۸۹/۹/۱۰). این الگو به‌عنوان یکی از اسناد بالادستی مهم در چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت تنظیم شده است که هر کدام جنبه‌هایی از سعادت و جود آدمی را تأمین و تضمین می‌کنند.

چ - موانع تحقق سعادت‌مندی جامعه در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

۱- موانع فکری - ایدئولوژیکی

۱-۱- عدم حاکمیت اسلام

به باور آیت‌الله خامنه‌ای پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان‌ها - نیازهای معنوی، نیازهای مادی، فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی - در ظلّ حاکمیت دین خدا محقق می‌شود (بیانات ۱۳۷۷/۲/۲). از این رو به باور آیت‌الله خامنه‌ای، سعادت دنیا و آخرت مردم در اجرای احکام اسلامی است (بیانات ۱۳۸۰/۵/۱۱). به باور ایشان منتقدان حاکمیت دینی، در واقع تیشه به ریشه سعادت ملت می‌زنند (بیانات ۱۳۷۷/۷/۵). رهبری به این نکته اشاره می‌کنند که تا کنون رایج‌ترین بهانه و دستاویز برای محروم کردن اجتماعات بشری از هدایت و سعادت بخشی دین این بوده است که منتقدان سعی کرده‌اند احکام دین را جامد و بی‌انعطاف نشان دهند؛ حال آنکه، اجرای احکام دین (اسلام) ضامن تحقق سعادت در جامعه است.

۲- موانع فردی

با توجه به نقش محوری انسان در اسلام و در فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، انسان موجودی متعهد برای خود و جامعه به شمار می‌آید و از این‌رو، نقش مهمی در تضمین سعادت جامعه دارد (بیانات ۱۳۸۹/۹/۱۰).

نقش ایمان و معنویت: در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای «راه خدا یعنی به سعادت رساندن جامعه انسانی». (بیانات ۱۳۸۵/۸/۲۱). انسان با در پیش گرفتن معنویت، اخلاق و مجاهدت فی سبیل‌الله می‌تواند در تحقق جامعه‌ای سعادت‌مند نقش ایفاء کند (بیانات ۱۳۷۸/۶/۷).

اخلاق نیکو: به باور آیت‌الله خامنه‌ای بدون برخورداری افراد جامعه از خلیات نیکو نمی‌توان به سعادت رسید. اخلاق به معنای «پروراندن صفات نیکو و خلیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل خود» است. جامعه قانونمند اما فاقد اخلاق قادر به رسیدن به سعادت نیست (بیانات ۱۳۸۵/۱/۶). برانگیخته‌شدن فکر و اندیشه و تهذیب اخلاق به تأمین خواسته‌های دیرین بشریت مانند عدالت و سعادت کمک می‌کند (بیانات ۱۳۹۱/۳/۲۹).

۳- موانع اجتماعی

۳-۱- سلطه بیگانگان

رهبری، سلطه خارجی و بیگانه را تهدید و مانعی برای سعادت دین و دنیای مردم می‌داند. از این‌رو می‌فرماید:

«آن چیزی که برای ملت ما روشن و مسلم است، این است که هرگونه سلطه‌ی خارجی در این کشور، سعادت دین و دنیای او را تهدید و ذلت و تحقیر را بر او تحمیل خواهد کرد.» (بیانات ۱۳۸۱/۳/۱۴).

۳-۲- وابستگی

در واقع، استقلال یک جامعه در همه ابعاد آن اساس سعادت ملت است. رهبری بر این موضوع تأکید دارند که اساس «سعادت در یک جامعه عبارت است از اینکه آن جامعه بتواند مستقل زندگی کند، بیندیشد، سازندگی کند، در کمال استقلال راه خود را برود و هدف خود را انتخاب کند». (بیانات ۱۳۷۴/۸/۱۰). از این‌رو، جامعه‌ای که نتواند استقلال خود را حفظ و تأمین کند نمی‌تواند موجبات

سعادت را محقق سازد.

۳-۳- فقدان عدالت اجتماعی

به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای، جامعه‌ی اسلامی آن جامعه‌ای است که در آن عدالت به نحو کامل استقرار داشته باشد (بیانات ۱۳۸۶/۱۰/۱۲). از منظر اسلامی، ارزش عدالت به هیچ وجه و در هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد. در سایه عدالت، زندگی مردم می‌تواند با رفاه و توسعه‌ی مادی به سمت اهداف معنوی هم حرکت کند (بیانات ۱۳۸۴/۲/۱۸). رهبری در اینجا مسأله ارتباط میان عدالت و سعادت را مورد بحث قرار می‌دهند. در واقع، چنانچه نهادها و مسئولان در ایجاد جامعه عادلانه و برقراری عدالت در نظام جمهوری اسلامی ناکارآمد باشند تحقق سعادت دچار خدشه می‌شود. از این منظر است که رهبری بر این نکته تأکید دارند: «در همه برنامه‌های حکومت در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکاف‌های طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد.» (بیانات ۱۳۸۳/۳/۱۴).

۳-۴- تفرقه افکنی

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای نقش اتحاد و وحدت کلمه را برای سعادت‌مندی جامعه مهم ارزیابی می‌کنند. از دیدگاه ایشان «سعادت این کشور و این ملت در وحدت کلمه و پیمودن راه اسلام و پیگیری عدالت است» (بیانات ۱۳۸۴/۰۲/۱۸). ایشان در این زمینه مسئولان و مدیران بخش‌های گوناگون را به پرهیز از اختلافات توصیه می‌کنند (بیانات ۱۳۸۵/۷/۱۸). به باور ایشان، چنانچه امت اسلامی بخواهد در میدان‌های علم، ترقی، پیشرفت مادی، تسلط بر سرنوشت خود، رهایی از سلطه بیگانگان و سعادت درونی و بیرونی پیشرفت نماید، تنها با «کلمه توحید و توحید کلمه» محقق می‌شود (بیانات ۱۳۷۹/۸/۱۱).

۴- موانع ساختاری

۴-۱- نظام سیاسی غیر اسلامی

رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود با اشاره به فراهم بودن فرصت خدمتگزاری و خدمت به مردم در نظام اسلامی چنین بیان کردند که «قبل از انقلاب، چنین فرصتی فراهم نبود، اما امروز سعادت یا شقاوت کشور در دست ما مسئولان است و این ما هستیم که می‌توانیم با تصمیم و عمل

درست، مردم و جوانان را سعادت‌مند و اهل بهشت کنیم (بیانات ۱۳۹۶/۱/۲۱). رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود با انتقاد از نظام شاهنشاهی چنین می‌فرماید:

«آن نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار ما با نهضت خود و به کمک این ملت از بین برد - یعنی نظام فاسد و وابسته پادشاهی - نظامی بود که سردمداران و مسئولان و رؤسای آن، به سرنوشت ملت ایران و جوانان این کشور اهمیتی نمی‌دادند و کشور و ملت را به سمت وابستگی هرچه بیشتر سوق می‌دادند. سعادت مردم به‌عنوان یک هدف، برای آنها مطلقاً مطرح نبود. اداره کشور، با الگوهای غلط و نامتناسبی انجام می‌شد، که از کشورهای بیگانه به‌طور ناقص گرفته شده بود و تازه همان هم اجرا نمی‌شد؛ یعنی یک نظام استبدادی و دیکتاتوری محض، تحت نام‌های گوناگون و با روش‌هایی که هیچ‌کدام از آنها برخاسته از اراده و خواست ملت و متوجه به مصالح آنها نبود» (بیانات ۱۳۷۶/۳/۱۴).

ح - الگوی راهبردی تحقق جامعه سعادت‌مند: الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

از منظر رهبری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقشه جامع و قطعی برای مسیر حرکت در راستای سعادت‌مندی جامعه است: «بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان‌که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیکزاک مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم». از منظر رهبری، وجود پسوند ایرانی یا اسلامی برای آن مطلقاً به این معنا نیست که از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهد شد، بلکه از نظر ایشان محدودیتی در این زمینه وجود ندارد (بیانات ۱۳۸۹/۹/۱۰). رهبری پیشرفت ایرانی و اسلامی را به‌طور کلی در چهار عرصه اساسی مشخص می‌نمایند:

پیشرفت در عرصه فکر: به معنای حرکت جامعه به سمت یک جامعه متفکر.

پیشرفت در عرصه علم: این پیشرفت در واقع محصول فکر است؛ که می‌بایست منتهی به نوآوری و استقلال علمی شود.

پیشرفت در عرصه زندگی: مشتمل بر مسائل و خطوط اساسی زندگی مثل امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون، حکومت می‌باشد که باید به آن پرداخته شود.

پیشرفت در عرصه معنویت: یعنی حرکت جامعه به سمت معنویت حداکثری. عرصه معنویت در

واقع روح حاکم بر سایر عرصه‌های پیشرفت می‌باشد. حاکم شدن معنویت بر زندگی زمینه حیات شایسته انسانی را فراهم می‌سازد (بیانات ۱۳۸۹/۹/۱۰).

خ- بستر پیدایش جامعه سعادت‌مند: تمدن نوین اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن انتقاد گزینشی از تمدن غرب، معنای تمدن را با دو مفهوم «ارتباط تمدن اسلامی با زندگی انسانی» و «توأمی تمدن اسلامی و امت اسلامی» پیوند می‌زند. در مورد مفهوم اول از واژه زندگی خوب و عزتمند استفاده می‌کنند که محصول فضای تمدن اسلامی است که در سایه رشد مادی و معنوی برای انسان فراهم می‌شود (بیانات ۱۳۷۳/۶/۲۹). ایشان در رابطه با مفهوم دوم بر این نکته تأکید دارند: «امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد» (بیانات ۱۳۹۲/۲/۹). در دیدگاه ایشان، دین، عقلانیت، علم و اخلاق پایه تمدن اسلامی است (بیانات ۱۳۹۰/۶/۲۶). بنابراین، رهبری در یک سطح خرد به تمدن اسلامی به‌مثابه نظامی برای ایجاد زندگی خوب و عزتمند و در سطح کلان به‌مثابه چشم‌انداز و هدف غایی حرکت به سمت امت اسلامی در میان اجتماعات بشری می‌نگرند. ایمان به اسلام و توحید به‌عنوان بُعد ارزشی (بیانات ۱۳۹۱/۷/۲۳)، قرار گرفتن عقل و نقل در کنار یکدیگر به‌عنوان بُعد روشی (بیانات ۱۳۸۳/۷/۵)، نوگرایی و تجدد به معنی بازکردن میدان‌های تازه زندگی به‌عنوان بُعد روشی (بیانات ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) و عزت‌مندی و عدم وابستگی (بیانات ۱۳۹۱/۷/۲۳) به‌عنوان بُعد رفتاری از ارکان این تمدن نوین محسوب می‌شوند.

آیت‌الله خامنه‌ای شاخصه اصلی و عمومی این تمدن را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی می‌داند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن نیز در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخ‌گویی به نیازهای نوبه نوری بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان و در تلاش و ابتکار و کار می‌توان و باید مشاهده کرد (بیانات ۱۳۹۲/۲/۹).

د- مدل زندگی سعادت‌مند: حیات طیبه اسلامی

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای حیات طیبه به معنای همه چیزهایی است که «بشر برای به‌زیستی خود،

برای سعادت خود به آنها احتیاج دارد». در دیدگاه ایشان عزت ملی، استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان، رفاه، عدالت، نشاط، علم و فناوری، معنویت، رحم، خلیات اسلامی، سبک زندگی اسلامی، امنیت و نظم همگی از مصادیق و نشانه‌های حیات طیبه هستند (بیانات ۱۳۹۴/۶/۲۵). حیات طیبه اسلامی شامل ابعاد دنیوی و آخروی زندگی است:

«حیات طیبه یعنی زندگی گوارا. یک ملت آن وقتی زندگی گوارا دارد که احساس کند و ببیند که دنیا و آخرت او بر طبق مصلحت او به پیش می‌رود ... زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود و این را فقط ادیان الهی می‌توانند برای بشر تأمین کنند ... منطق اسلام این است که زندگی جامعه اسلامی باید از مواهب الهی سرشار شود و بشر با بهره‌مندی‌های مادی در زندگی خود، راه معنویت را گم نکند و درست حرکت کند ... قدرت ملی برای جوامع بشری، کلید همه کامیابی‌ها و وسیله‌ی لازم برای رسیدن افراد جامعه به حیات طیبه است. مقصود از قدرت ملی آن است که جامعه و کشور، از اخلاق، علم، ثروت، نظام سیاسی کارآمد و عزم و اراده عمومی برخوردار باشد» (پیام ۱۳۷۶/۱/۲۱).

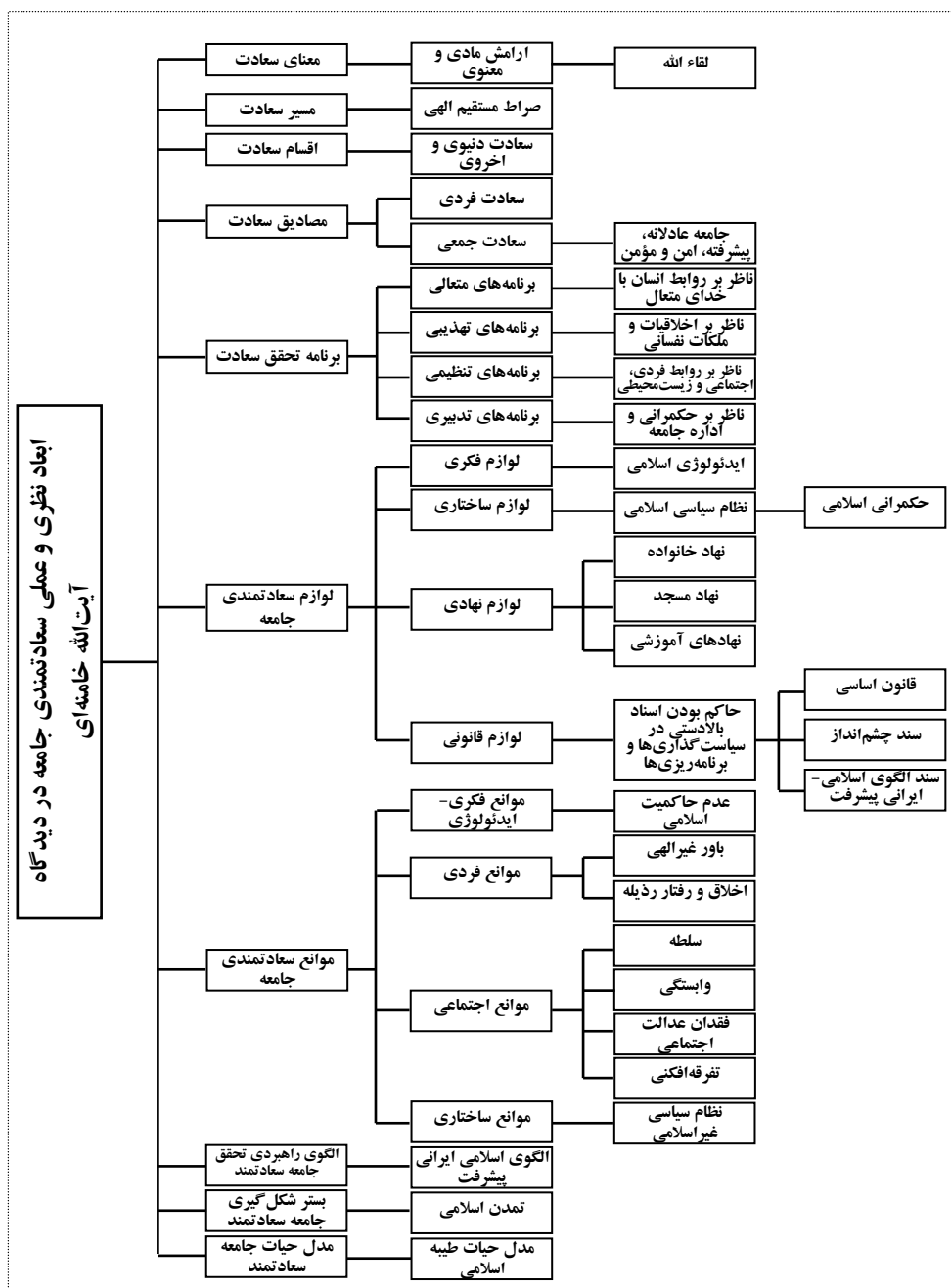
چنین تلقی از زندگی سعادت‌مندان سبب شده است که مقام معظم رهبری بقای انقلاب اسلامی را منوط به ساختن کشوری نمونه بر پایه چهار رکن بدانند:

رفاه مادی: به معنای عمران و آبادانی کشور، همگانی شدن علم و فرهنگ، رونق اقتصادی، سلامت و بهداشت و رخت بر بستن نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی در جامعه می‌باشد.

عدالت اجتماعی: به معنای از میان رفتن فاصله‌ی طبقاتی، برخورداری‌های نابحق و محرومیت‌ها است.

روحیه و آرمان انقلابی: به معنای وفاداری به پیام‌های جهانی انقلاب (استکبار ستیزی، سلطه‌ستیزی و...) است.

برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام؛ به معنای ترویج روح فضیلت، پرهیزگاری، اجتناب از شهوات ممنوع و دنیاطلبی و ترویج خصلت‌های اخلاقی در جامعه می‌باشد (بیانات ۱۳۶۸/۴/۱۲).



شکل ۲- ابعاد نظری و عملی سعادت‌تمندی جامعه در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

(منبع: نگارنده)

نتیجه‌گیری

این پژوهش با روش معناشناسی و با غور در مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به بررسی معنا، الزامات و موانع فکری و سیاسی سعادت‌مندی در جامعه از دیدگاه ایشان پرداخت. الزامات تحقق سعادت‌مندی در جامعه به چهار دسته الزامات فکری، نهادی، ساختاری و قانونی و موانع تحقق سعادت‌مندی در جامعه نیز به چهار دسته موانع فکری، فردی، اجتماعی و ساختاری دسته‌بندی می‌شوند.

رهبری موضوع بسیار مهم در پیشرفت و سعادت را با توجه به دو ساحتی بودن انسان - مادی و غیر مادی بودن - می‌داند. مفهوم سعادت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای در اصطلاح «حیات طیبه» تجلی می‌یابد. حیات طیبه یا زندگی پاکیزه همان زندگانی است که در آن هم روح و هم جسم انسان و هم دنیا و آخرت انسان تأمین است. حیات طیبه اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای هم ماده و هم معنا، پول و رفاه، ایمان و معنویت، پیشرفت اقتصادی و شکوفایی اخلاقی و معنوی را در جامعه در کنار هم می‌خواهد. کلید واژه «حیات طیبه» در منظومه فکری و اندیشه‌ای آیت‌الله خامنه‌ای به‌مثابه آرمان شهری است که می‌کوشد وضعیت مطلوبی را که به‌نوعی تعیین‌کننده سعادت بشری است طرح‌ریزی کند. حیات طیبه به‌عنوان یک الگو و مدل آرمانی سعی در تحقق سعادت دنیوی و اخروی دارد و امنیت، عزت و استقلال، رفاه مادی و پیشرفت‌های فناورانه، معنویت و سبک زندگی اسلامی از شاخصه‌های آن به شمار می‌روند. رهبری در سیاست‌های خود برای رهنمون شدن به سمت تمدن نوین اسلامی و حیات طیبه توجه به «عرصه زندگی» را مهم برشمردند. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز به‌عنوان رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی با یک نگاه آینده‌نگرانه از سوی رهبری در دهه چهارم انقلاب مطرح شده که چهار عرصه «فکر و اندیشه»، «علم و فناوری»، «زندگی» و «معنویت» را در بر می‌گیرد و وظیفه راهبردی این امر خطیر را بر عهده دارد. آیت‌الله خامنه‌ای تضادی میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی و معنوی - اخلاقی زیستن نمی‌بیند و هدف نهایی از نظر ایشان عبارتست از «رستگاری انسان».

منابع

الف- منابع فارسی

- باک، درک (۱۳۹۶)، *سیاست شادکامی*، ترجمه نرگش سلحشور، تهران: نگاه معاصر.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹)، *استراتژی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه هاشم آقاییگی، تهران: جامعه‌شناسان.
- بوک، سیسلا (۱۳۹۶)، *در جستجوی خوشبختی از ارسطو تا علم مغز*، ترجمه افشین خاکباز، تهران: نشر نو.
- ساجدی، علی محمد و هاجر دارایی تبار (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه سیاست و سعادت در اندیشه ارسطو و ابن مسکویه»، *فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی*، سال ۷، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۰.
- سید امامی، کاووس (۱۳۹۱)، *پژوهش در علوم سیاسی (رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی)*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- شفیعی، امید (۱۳۹۴)، *لوازم سیاسی انگاره خوشبختی در اندیشه‌های لیبرال و فلسفه نوصدرایی با تأکید بر جان لاک و شهید مرتضی مطهری*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه امام صادق(ع).
- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۱)، *عرشیه*، ترجمه و تصحیح محمد خواجه‌جوی. تهران: مولی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۲)، *المیزان*، قم: مطبوعات اسماعیلیان.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۸۷)، *اخلاق ناصری*، به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.

- الفاخوری، حنا و الجر خلیل (۱۳۷۳)، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- فارابی، ابونصر (۱۳۸۱)، *احصاء العلوم*، ترجمه حسین خدیو‌جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فارابی، ابونصر (۱۴۱۳)، *التنبیه علی سبیل السعاده*، تصحیح، مقدمه و تعلیق جعفر آل یاسین، بیروت، دارالمناهل.
- قمی، محسن و سید محمدحسین موسوی‌پور (۱۳۹۳)، «واکاوی مسأله سعادت از دیدگاه ابن‌رشد»، *فصلنامه آیین حکمت*، سال ۶، صص ۱۵۲-۱۲۱.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۹۸)، *بازفهم توسعه در عصر اطلاعات جهانی*، ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- مطهری، مرتضی (۱۳۴۴)، «بحثی در سعادت»، *سالنامه مکتب تشیع*، شماره ۷.
- مک‌ناب، دیوید ای (۱۳۹۴)، *روش تحقیق در علوم سیاسی (رویکرد کیفی و کمی)*، تهران: دانشکده اطلاعات.
- نیگل، تامس (۱۳۹۴)، *برابری و جانبداری*، ترجمه جواد حیدری، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- هرکا، تامس (۱۳۹۶)، *بهترین‌های زندگی؛ دریچه‌ای به سوی امور واقعاً مهم*، ترجمه شقایق محمدزاده، تهران: نگاه معاصر.
- وایت، نیکلاس (۱۳۹۲)، *تاریخچه خوشبختی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: مینوی خرد.
- ورنون، مارک (۱۳۹۶)، *زندگی خوب: ۳۰ گام فلسفی برای کمال بخشیدن به هنر زیستن*، ترجمه پژمان طهرانیان، تهران: نشر نو.

ب- منابع انگلیسی

- Scanlon, T.M (2003) *The Difficulty of Tolerance*, Cambridge University press.
- Kahneman, Daniel (2011) *Thinking, Fast & Slow*, Farrar, Straus and Giroux.

پ- منابع الکترونیکی

- سخنرانی‌های مقام معظم رهبری موجود در پایگاه الکترونیکی <http://farsi.khamenei.ir>